

## نقش دعا در رشد جامعه با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

هاجر خادم زاده یگانه<sup>۱</sup>

سعیده نیکخو (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

### چکیده

طبق بیانیه گام دوم انقلاب، از برکات انقلاب اسلامی، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای جامعه است. دعا با افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق، سبب جهت دهی و رشد جامعه می‌گردد؛ زیرا مسئله رنج و سختی حاصل از مشکلات زندگی که با گذر زمان، سخت‌تر و جدیدتر می‌شود؛ نیازمند برخورد خردمندانه است و تنها ارتباطاتی با خدا مانند دعا، موجب تقویت روحی وی، در مقابل ناملازمات تمدن جدید می‌شود. نوشته پیش رو با روش توصیفی و با استفاده از منابع تفسیری، اخلاقی و روایی به هدف این نوشتار یعنی چگونگی نقش دعا در رشد جامعه می‌پردازد. بنابراین ادعیه در فرهنگ و تمدن شیعه با جدا نمودن آن‌ها از همه تعلقات و اتصال به خالق بی‌همتا، نقش محوری در آرامش، دریافت امدادهای غیبی، همکاری، نظم‌پذیری اجتماعی، خودسازی و جامعه‌پذیری و در نهایت رشد جامعه دارند. تمدنی که در قالب دعا، با زمینه‌سازی دولت عدل جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، واقعیت خارجی پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی: دعا، دعا و جامعه اسلامی، دعا و رشد، بیانیه گام دوم انقلاب

۱. سطح چهار تفسیر تطبیقی، جامعه الزهراء ع، hajaryeganeh20@gmail.com.

۲. جامعه الزهراء، saedehnickju@yahoo.com.

## مقدمه

یکی از نیازهای فطری انسان راز و نیاز با معبود و خالق خویش است. این نیاز در تمام ادیان وجود دارد، زیرا انسان تشنه خوشبختی در این دنیا و نیازمند سعادت در آن دنیا است. او نیازمند ارتباط با معبود است که بتواند در مشکلات گوناگون به او رجوع کند و از فضل بی‌انتهایش، درهای سعادت را به روی خویش بگشاید و برای خود و خانواده و جامعه خویش، سازنده و مفید باشد. امروزه تأثیر دعا به‌عنوان یک پناهگاه روحی در مقابل ناملایمات تمدن جدید که روز به روز بیشتر و جدیدتر می‌شود؛ غیر قابل انکار و ضروری است. دعا در حقیقت یافتن فقر خود و عرضه کردن این فقر به غنای محض و خواندن او است. به عبارتی لایه نخست دعا کردن، همان احساس نیاز و رابطه عمیق با خداوند است، اما با توجه بیشتر در لایه‌های بعدی. دعا انسان‌ها را به سوی انسان‌پروری و ساختن فرهنگ و تمدن سوق می‌دهد و چراغ پر نور هدایت در مسیر رشد و تعالی فردی و اجتماعی می‌گردد.

حال که انسان‌ها به گمان کفایت اتکا به پیشرفت‌های بشری، گرفتار مشکلات زیاد روحی و جسمی و روانی و اقتصادی و... مخصوصاً با این ویروس جدید به نام کرونا هستند و ارتباطات اجتماعی محدودتر شده است؛ نقش دعا در ایجاد نشاط و تقویت روحی، که لازمه رشد تمدن بشری است بسیار پررنگ گردیده است. طبق بیانیه گام دوم انقلاب، یکی از برکات انقلاب اسلامی افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه است. به همین خاطر رهبر فرزانه انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته در سخنرانی‌های مختلف برای این منظور، دعوت به خواندن ادعیه از جمله دعای هفتم صحیفه سجادیه برای ایجاد آرامش و بر طرف شدن این ویروس منحوس نموده‌اند. دعا در مکتب اهل بیت نقشی بسیار مهم در سازندگی و تربیت فرد و جامعه دارد. از آن جایی که قرآن و روایات به آن توجهی ویژه دارند، ضرورت پرداختن به آن در ایجاد حرکت در جامعه و تلاش برای رسیدن به نقطه بهتر از لحاظ مادی و معنوی را دو چندان می‌نماید. نوشته پیش رو درصدد است با روش توصیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای با فیش برداری از منابع تفسیری، اخلاقی و

روایی با بیان چگونگی و آثار دعا در رشد جامعه به بررسی نقش دعا در رشد جامعه پردازد. حال سؤال این است که دعا چه نقشی در رشد جامعه دارد؟

### پیشینه

تاریخچه دعا با آفرینش همراه بوده است. آدم و حوا در بهشت و بعد از هبوط به زمین خاکی، آن‌گاه که از کرده خویش پشیمان گشته، نیایش‌هایی داشته‌اند. اما در مورد نقش دعا در رشد جامعه، تقریباً در تمام کتبی که به دعا پرداخته شده، به نقش‌های مختلف آن در رشد جامعه اشاره شده است که می‌توان به کتاب‌های چون «نقش دعا در زندگی انسان‌ها» اثر حمید فتاحی، «دعا و سلامت روان» اثر محمد صادق شجاعی به‌عنوان نمونه اشاره کرد. در این کتاب‌ها به جنبه‌های خودسازی، انگیزه برای کار و کوشش و سلامت و آرامش روان و... توجه شده است. البته نقش دعا بسیار فراگیرتر از مواردی است که این کتاب‌ها به آن‌ها پرداخته است و بهتر بود تنها به آثار فردی کفایت ننموده و در حیطه آثار اجتماعی آن‌ها هم وارد می‌شد. در کتاب «سیصد نکته در مدیریت اسلامی» نوشته آقای محسن قرائتی می‌توان به خوبی به مولفه‌های رشد جامعه دست پیدا کرد و با مقایسه آثار دعا، بین دعا و مولفه‌های رشد جامعه ارتباط لازم برقرار نمود. نزدیک‌ترین منبع برای موضوع مطرح شده، مقاله‌ای با عنوان «تأثیر دعا در رشد و شکوفایی فرهنگی و تمدنی شیعه» اثر علی نوری و اعظم عاشوری است، که بعد از بررسی مفهوم دعا و کلمات کلیدی، به شرایط استجاب دعا پرداخته و در مطالعه نمونه‌ها، سه دعای معتبر ندبه، مکارم الاخلاق و زیارت امین‌الله را به روش تحلیل محتوا بررسی و هشت شاخص فرهنگی و هشت شاخص تمدنی را استخراج و فرازهای دعا را بر اساس آن‌ها طبقه‌بندی کرده است. در پژوهش پیش رو سعی بر آن شده که آثار فردی و اجتماعی دعا را همراه با هم برای رشد و شکوفایی جامعه در نظر بگیرد، تا خواننده در اثر بی‌توجهی به یکی یا توجه بیش‌ازحد به دیگری، از دست یافتن به نتیجه مطلوب باز نماند.

## ۱. مفهوم‌شناسی

در ابتدای مقاله لازم است به مفهوم لغوی و اصطلاحی دعا پرداخته شود.

### ۱.۱. لغوی

دعا از د. ع. و. به معنای متمایل کردن چیزی به سمت خود با صدا و گفته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۹) ابن منظور ضمن ذکر معانی‌ای چون «استغاثه و عبادت» برای دعا، می‌گوید: معنی دعا لله بر سه وجه است: ۱. توحید خداوند و ثناء بر او ۲. درخواست عفو و رحمت و... از خداوند ۳. درخواست حفظ و بهره‌دنیوی (مانند طلب روزیعی مال و فرزند) (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۵۷)

### ۱.۲. اصطلاحی

علامه حلی از فقهای متقدم، دعا را این‌چنین تعریف کرده است: «دعا در اصطلاح به این معنا است که فرو دست از فرادست با حالت خضوع و افتادگی چیزی را طلب کند». (حلی، ۱۳۷۵، ص ۱۹) همچنین گفته شده: دعا در اصل طلب دانی از عالی است و کوچک از بزرگ، با فروتنی، خضوع و استکانه. (ملکی تبریزی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸۷) علامه طباطبائی می‌گوید: «دعا و دعوت جلب نظر مدعو است به سوی دعاکننده که اغلب با لفظ یا اشاره می‌آید و اجابت و استجابت یعنی روی کردن مدعو به سوی دعاکننده به‌خاطر دعایش» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۳۱۷)

دعادارای ارکان چهارگانه است: ۱. خواننده شده (المدعو)، که خدای متعال است. ۲. خواننده (الداعی) که همان بنده است. ۳. خواندن (الدعا) که همان درخواست بنده است از خداوند ۴. خواننده شده برای او (المدعو له): که همان خواسته‌ای است که بنده با دعا کردن به سوی خداوند بالا می‌برد. (آصفی، ۱۳۹۷، ص ۱۱)

لازم نیست که همیشه درخواست چیزی از خدا باشد هر زمانی که آدمی روی خود را به سوی خدا آورد آن را می‌توان دعا نامید. هر توجهی به سوی خدا، هر ارتباطی با دستگاه



الوهیت، هر اعتلای روحی با آن مقام اعلاء، دعا حساب می‌شود، خواه از خدا چیزی بخواهیم و خواه ستایش و سپاسگزاری از نعمت‌های داده شده و بالاخره سرودهای مذهبی، مناجات‌های گوناگون به شکل‌های مختلف اشکال مختلف دعا هستند. (قائنی، بی‌تا، ص ۲۲۰)

مقام معظم رهبری، سه دیدگاه برای دعا را در نظر می‌گیرند: در دیدگاه اول، وسیله است برای رسیدن به حوائج و مقصودها و هر آنچه که انسان بخواهد و آرزو کند. در دیدگاه دوم، وسیله است برای فهمیدن معارف الهی. اما طبق دیدگاه سوم انسان با دعا و تضرع و عرض حاجت، خود را به خدای متعال نزدیک کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۱/۱۲/۰۷: <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/> <https://1371/12/07>)

## ۲. نقش دعا در رشد جامعه

دعا از جنبه‌های گوناگون باعث رشد و تعالی و پیشرفت جامعه می‌گردد که از مهم‌ترین این تاثیرات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### ۲.۱. آرامش روح و روان

سلامت یکی از مفاهیم ضروری دنیای پیچیده انسان است که قدمتی به بلندای هستی وی دارد. هدف از سلامتی به‌عنوان کیفیتی از زندگی که تعریف و اندازه‌گیری آن سخت است؛ به حداکثر رساندن توان فرد برای بهتر زیستن می‌باشد. هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگ حاکم بر آن، در جهت حفظ سلامت جسمی و روانی اعضای خود مؤثر است تا افراد سالم به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های هر جامعه، در فرایند توسعه پایدار آن نقش پویایی ایفا کنند.

استرس و مشکلات روحی و روانی، اختلالات عاطفی، اعتیاد، طلاق، ناسازگاری‌های فردی و اجتماعی و این اواخر شیوع کرونا موارد تهدیدکننده سلامت جسم و روان جامعه می‌باشند. فشار روانی علاوه بر این‌که می‌تواند تولیدکننده مشکلات جسمانی مانند

فشارخون بالا، سردرد، گردن درد و خستگی باشد، ممکن است سرآغازی برای ناتوانی روانی در بعضی از افراد گردد. (پیلتن، قانعی، ۱۳۹۱، ص ۹-۷)

در مقابل، آرامش روانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و حیاتی برای بشریت است که تبلور شخصیت فردی و اجتماعی وی را برای تن دادن به زندگی منظم و سلامت از اضطراب و فشارهای روحی در پی دارد. اگر اصل اساسی آرامش را از زندگی حذف کنیم و در عوض به جای آن هر چیز دیگری را اضافه نماییم، تعادل به زندگی بازمی‌گردد و انسان به رشد جسمی و روحی دست نمی‌یابد. یک نویسنده‌ها هنرمند و یا صنعتگر اگر همه امکانات لازم برای کار را داشته باشد اما آرامش نداشته باشد، نمی‌تواند به موفقیت دست یابد و قله‌های پیروزی را فتح کند. بررسی زندگی انسان‌های بزرگ که توانسته‌اند خالق آثار ماندگار باشند نشان می‌دهد همه آنان یک زندگی توأم با آرامش داشته‌اند. (فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۸)

قرآن منشأ آرامش را خداوند می‌داند و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾: همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد» (رعد: ۲۸) علامه طباطبائی رحمته‌الله‌علیه در تفسیر این آیه می‌نویسد: «مراد از ذکرالله یاد خدا و مطلق توجه انسان به خداست» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۴۸۷). ذکر به معنای یادآوری به قلب و زبان می‌باشد و در برابر غفلت و گاه در برابر نسیان به کار می‌رود و دعا مصداق بارز ذکر و یاد خداوند است و یکی از عوامل آرامش به حساب می‌آید. (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰).

خداوند در آیه ۱۰۳ سوره توبه به پیامبرش دستور می‌دهد که برای مردم دعا کند، چرا که این دعا کردن موجب آرامش می‌شود. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ از اموال آن‌ها صدقه‌ای (به‌عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آن‌ها را پاک‌سازی و پرورش دهی و (به‌هنگام گرفتن زکات) برای آن‌ها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آن‌هاست و خداوند شنوا و داناست» منظور این است که نفوس مسلمین با دعای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سکونت و آرامش می‌یابد. (طباطبائی، همان، ص ۵۱۲).

پس در انبوه تنگناها و اضطراب‌هایی که بسیاری از مردم را به نابودی می‌کشد، دل به یاد خدا آرام می‌گیرد و اضطراب‌های درونی با ذکر خداوند چاره می‌گردد. ارتباط با خدا انسان را امیدوار و دلگرم به قدرتی برتر می‌کند که اگر صلاح بداند به راحتی آن فشارها و سختی‌ها را برطرف می‌کند. یکی از کارهایی که در سیره علما نمود زیادی دارد همین دائم‌الذکر بودن و خواندن دعا است. بی‌شک توجه به اوقات و وجود دعاهای مختلف در زمان‌های مختلف نیز نشان دهنده این توجه است. خواندن دعا با عث می‌گردد تا انسان در زندگی خود به یاد خدا باشد و بداند که خداوند ناظر اوست. آن‌گاه خواهد دید که چه آرامش درونی بر او حاکم و چه برکاتی را به همراه دارد.

گاهی دعا با از بین بردن بلاهای طبیعی و غیرطبیعی موجبات این آرامش و سلامت را ایجاد می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «وَأدْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِاللُّدْعَاءِ؛ امواج بلا را با دعا دفع کنید.» (نهج‌البلاغه: کلمات قصار ۱۴۶) و نیز امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللُّدْعَاءَ وَ الْبَلَاءَ لَيَتَرَاَفَقَانِ الْيَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللُّدْعَاءَ لَيُرِيذُ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا؛ دعا و بلا با هم هستند تا روز قیامت و دعا بلا را دفع می‌کند حتی درحالی که نزول بلا قطعی شده باشد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۶۹) پس دعا نقش به‌سزا و بی‌واسطه‌ای در سلامت جسم دارد.

آرامش، تعادل روحی و نبود اضطراب، با تاثیرگذاری بر نحوه تفکر، احساس و رفتار فرد در زندگی فردی و اجتماعی، موجب برخورد درست با مسائل و گرفتاریها و به حداکثر رساندن توان فرد برای بهتر زیستن می‌شود. به او کمک می‌کند با غلبه بر چالش‌ها، ایجاد روابط و شکست مشکلات و ناکامی‌های زندگی به عنوان فرد مؤثر در فرایند رشد و توسعه جامعه خویش نقش مهمی را ایفا نماید.

به گفته رهبری یکی از برکات بزرگ انقلاب اسلامی، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه است. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. امروزه نیز صف‌های نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و

استاد و دانشجویان در دوران سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزار فساد، نشان دهنده نقش مؤثر دعا در رشد جامعه‌هاست. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

## ۲.۲. دریافت‌های امدادهای غیبی از طریق ارتباط با خالق

امداد غیبی تعبیری مرکب از دو واژه امداد و غیب است. ریشه امداد کلمه م. د. د. است که معنای انبساط و امتداد دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶۵-۴۶۴) امداد یاری کردن دیگری است و بیشتر در موارد دوست‌داشتنی به کار می‌رود (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۴۲) امداد منحصر به چیزهای مادی نیست و در معنویات هم به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۵۲) و غیب چیزی است که از انسان پوشیده و مخفی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۵۴). با توجه به معنای امداد و غیب معلوم می‌شود که امدادهای غیبی به معنای مددهایی است که از غیب سرچشمه می‌گیرد، هرچند با عنایت به معنای لغوی واژه مزبور می‌توان جهان و نظم، حیات و نشاط و همه نعمت‌های موجود در آن را مدد گرفته از عالم غیب و از مصادیق امدادهای غیبی دانست، چنان‌که قرآن، اموال و فرزندان را از امدادهای عام الهی دانسته است: ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾؛ آن‌گاه شما را به روی آن‌ها برگردانیم و بر آن‌ها غلبه دهیم و به مال و فرزندان مدد بخشیم و عده (جنگجویان) شما را بیشتر (از دشمن) گردانیم» (اسراء: آیه ۶)؛ ولی این ترکیب اصطلاحاً به معنای مددهای غیبی ویژه در زندگی بشر است. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸۲)

امدادهای غیبی خداوند، تأثیر شگرفی در زندگی انسان‌ها دارد به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان گفت امدادهای غیبی در زندگی انسان‌ها یک استثناست و تنها در موارد نادری نمایان می‌شود، بلکه یکی از سنت‌های الهی است که مؤمن می‌تواند در سختی‌های زندگی به آن دل ببندد و امید نجات داشته باشد. امدادهای غیبی به عنوان یکی از سنت‌های مهم

قرآن کریم، مبین آن است که اگر انسان از امدادهای عام الهی درست استفاده کند و قابلیت‌های معنوی را در خود تقویت نماید، بی‌گمان نظام علی و معلولی جهان نیز به حمایت او برمی‌خیزد و او را از پشتیبانی خاص خود بهره‌مند می‌سازد. امدادهای غیبی را با توجه به کاربرد آن‌ها در قرآن می‌توان به دو دسته عمده بیرونی و درونی تقسیم نمود که فرستادن لشکر الهی، انجام امور غیر ممکن، حفظ و صیانت مؤمنین، افزایش نعمت‌های دنیوی و حکومت دادن به صالحان از جمله موارد عوامل بیرونی‌اند. هدایت بخشی، آرامش قلبی، اندک‌نمایی و ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان از جمله مصادیق عوامل درونی محسوب می‌شوند. (ابراهیمیان، ربیعی، سمبل، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶-۱۵۷)

این عوامل با ایجاد امنیت برای فرد و جامعه موجبات رشد آن‌ها را فراهم می‌کند. دعا، زمینه‌ساز امدادهای غیبی است. از مواردی که هم بر اهمیت تأثیر دعا بر دریافت کمک‌های ویژه الهی گواهی می‌دهد و هم بر وجود آن‌ها دلالت می‌کند، تقاضای پیامبران الهی برای این نوع از امدادها است.

به‌عنوان مثال حضرت نوح علیه السلام، پس از سال‌ها اذیت و آزار کافران از خداوند درخواست نابودی آن‌ها را کرد خداوند نیز خواسته او را اجابت نمود: ﴿وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ﴾ و (یادکن حکایت) نوح را که پیش از این (خدا را به یاری خود) خواند، ما هم او را پاسخ دادیم و او و اهلبیتش (و گرویدگانش) را از اندوه و بلای سخت (طوفان) نجات دادیم. (انبیاء: ۷۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ حنین (هنگامی که مسلمانان غافلگیر شدند و جز تعداد اندکی مانند علی علیه السلام از جنگ فرار کردند) دست به دعا برداشت و فرمود: «بار خدایا! ستایش تو راست و نزد تو شکایت می‌شود و تویی یاری دهنده.» آن‌گاه جبرئیل فرود آمد و گفت: دعای تو همان دعای موسی علیه السلام بود؛ هنگامی که خداوند دریا را برایش شکافت و او را از دست فرعون‌رهای بخشید. (قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۴۸)

در آیه: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ﴾ (به یاد

آرید) هنگامی که استغاثه و زاری به پروردگار خود می‌کردید، پس دعای شما را اجابت کرد که من سپاهی منظم از هزار فرشته به مدد شما می‌فرستم.» (انفال: ۹) دعا و استغاثه به خداوند، زمینه‌ساز اجابت آن از سوی خدا به صورت امداد فرشتگان در جنگ بدر بیان شده است. در آیه بالا لفظ «استغاثه» به کار رفته است. این واژه معمولاً در جایی به کار می‌رود که خطر گرفتار شدن در چنگ دشمن احساس شود. در این هنگام پیامبر دست به دعا برداشت و فرمود: «اللهم إن تهلك هذه العصابة لا تعبد في الأرض؛ خدایا اگر مسلمانان کشته شوند کسی که در زمین تو را بندگی کند نخواهد ماند.» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۳-۲۰) در این هنگام خداوند دعای آن حضرت را اجابت کرده و آن‌ها را به هزار فرشته یاریکرد.

البته دعا در کنار صبر و تقوا است که انسان و جامعه را از عنایات خاص الهی و امدادهای غیبی برخوردار می‌کند. پس باید توجه داشت که مقاومت و استقامت در برابر دشمن و عقب‌نشستن از مواضع حق و عدالت خواهانه در چارچوب توکل به خدا و دست به نیایش عملی بردن و ربنا گفتن، مهم‌ترین و اساسی‌ترین عواملی است که امدادهای غیبی را نصیب شخص و جامعه می‌کند. مخصوصاً در زمانی که دشمن به همه عقاید مردم حمله آورده و دینداری سخت شده، در چنین زمانه‌ای استقامت بر دین و دینداری و مواضع صحیح و حق و دعا کردن است که می‌تواند دشمن را شکست دهد و آرامش و آسایش را به جامعه بازگرداند و سببی برای رشد جامعه گردد.

یکی از تاکیدات رهبر فرزانه انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، اقتصاد مقاومتی است که با یک نگاه موشکانه به خوبی ضرورت برخورداری از این امداد غیبی در سایه دعا در آن رخ می‌نماید زیرا که در دوران ظالمانه تحریم و فشارهای اقتصادی، برای دریافت امدادهای غیبی، این مقاومت نمی‌تواند بیرون از چارچوب استقامتی و ودعا و خواستن از ذات باری تعالی برای رشد جامعه باشد؛ زیرا زمانی اقتصاد مقاومتی شکل می‌گیرد که مقاومت مبتنی بر استقامت در چارچوب حق و آموزه‌های وحیانی باشد و شخص و جامعه بخواهد و

از خداوند بطلبد که اسلام و قرآن بر جامعه و جان و جهان حاکم شود. در این صورت است که دعا در کنار اقتصاد مقاومتی پاسخ می‌دهد و انسان و جامعه اسلامی از شرور دشمنان رها می‌شوند و دشمنان ناخواسته به‌عنوان لشکریان بی‌مزد و مواجب در خدمت جامعه اسلامی درمی‌آیند و به تعالی و رشد آن هم حتی کمک می‌کنند. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

### ۲.۳. همکاری و تعاون

واژه «تعاون» از ریشه «ع و ن»، در مفاهیم ذیل استعمال شده است:

۱. همکاری، یکدیگر را مدد رساندن در جهت ارضای نیاز مشترک.

۲. دیگریاری: یاری رساندن و کمک به دیگری. بر اساس این معنا از «تعاون»، کمک به دیگران بدون داشتن انتظار کمک از کمک گیرنده و یا بدون تصور سهم و نفعی، از امری که به کمک او انجام گرفته، صورت می‌گیرد. صورت کامل و والای دیگریاری، فداکاری و «ایثار» است که شخص منافع و خواست‌های خود را به نفع ارزش‌های عالی تر نادیده می‌گیرد. این امر، اثرات کاملاً مثبت و پایداری در ایجاد همبستگی اجتماعی دارد. (طالب، ۱۳۷۶، ص، ۴-۲)

بدون تردید، در هر جامعه‌ای افراد نیازمند و محروم وجود دارند؛ کسانی که یا توان کار و کوشش ندارند و یا درآمدشان به اندازه‌ای نیست که تمام هزینه‌هایشان را تأمین نماید. به دلیل آن که در بینش اسلامی، همه افراد بندگان خدایند و تمام ثروت‌ها نیز متعلق به اوست، نیازمندی‌های این‌گونه افراد در حد ممکن و مورد قبول باید تأمین شود. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲) اسلام، مسلمانان را برادر یکدیگر قرار داده و بر این، تضاد منافع را به اشتراک منافع و همدلی و همدردی تبدیل نموده است. در نظام اسلامی، انسان‌ها همانند اعضای یک پیکر محسوب می‌شوند که اگر یکی از آنان دردی احساس نماید و در رنج باشد سایر اعضا نیز در آن احساس با وی شریکند. (همان، ص ۱۴۹)

اشاره قرآن به تعاون و همکاری با صیغه امر: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ

وَالْعُدْوَانَ؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید. و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید» (مائده: ۲) به خوبی ضرورت تعاون و دیگریاری را در جامعه و رشد آن به اثبات می‌رساند.

خدای سبحان در قرآن کلمه «بر» را بدین گونه تفسیر نموده است: ﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ؛ بلکه نیکی آن است که کسی، به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد.﴾ (بقره: ۱۷۷) کلمه «تقوا» نیز به معنای مراقب امر و نهی خدا بودن است، در نتیجه برگشت معنای تعاون بر «بر و تقوا» به این است که جامعه مسلمین، بر ایمان و عمل صالح ناشی از ترس خدا اجتماع کنند و این همان صلاح و تقوای اجتماعی است. در مقابل، تعاون بر گناه یعنی عمل زشتی که موجب عقب افتادگی از زندگی سعیده است و بر «عدوان» که تعدی بر حقوق حقه مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس آنان است، قرار می‌گیرد. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص: ۲۶۶) دین مبین اسلام با تأکید بر خیرخواهی، تقوا و شتاب در همکاری، همیاری و دیگریاری مؤمنان، آنان را از هرگونه تعاون در بدی‌ها و دشمنی‌ها، که به ناپرابری و بی‌عدالتی اجتماعی دامن می‌زند، برحذر داشته است. (پیله ور، ۱۳۵۰، ص ۴۶)

پس تعاون و همکاری، با در کنار هم قرار دادن افکار، انرژی‌ها و توانمندی‌ها و تبدیل تضاد منافع به اشتراک منافع و همدلی و هم‌دردی، علاوه بر تأمین امنیت روانی جامعه، باعث ارتقا همّت و تلاش و اراده جمعی برای انسجام کارها و فعالیت‌های بزرگ‌تر، تربیت نیروهای متخصص بهتر و با اعتماد به نفس‌تر، تولید فکرهای گوناگون و بیشتر، تقویت اندیشه، همدلی و همراهی و تقویت انگیزه افراد و وحدت ملی و ایجاد امت واحده اسلامی می‌شود و در نهایت منجر به افزایش کمی و کیفی در امور گردیده و رشد فرد و جامعه را در دارد.

اسلام به عنوان کاملترین دین برای هدایت بشر، بهترین معیارها را برای وفاق اجتماعی و همبستگی امت اسلامی، با توجه به تعاون و همکاری معرفی می‌کند. وجود دعاهای فروان و



روایات زیادی که به منظور ترغیب کردن مسلمانان به یاریکدیگر از یک طرف و ایجاد شدن تفرقه و عدم همکاری بین دشمنان از طرف دیگر، در کتب دعایی و روایی مسلمانان آمده است؛ دلیلی محکم بر اهمیت نقش دعا در ایجاد همکاری و تعاون می باشد.

امام سجاده علیه السلام در دعای چهل و پنجم و در عبارت پنجاه و دوم صحیفه سجادیه می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فَطْرِنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيداً وَ سُرُوراً، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِكَ حُجْمَعاً وَ مُحْتَشِداً مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ، أَوْ سُوءٍ أَسْلَفْنَا، أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَا، تَوْبَةً...؛ بارخدایا ما در روز فطر و روزه گشودنمان که آن را برای اهل ایمان (روز) عید و شادی و برای اهل دین خود (اسلام) روز اجتماع و گرد آمدن و روز تعاون و کمک کردن به یکدیگر قرار دادی؛ از هر گناهی که آن را به جا آورده ایم؛ یا کار بدی که پیش از این کرده ایم؛ یا اندیشه بدی که در دل داشته ایم؛ به سوی تو، توبه و بازگشت می نمایم...». (صحیفه سجادیه: دعای ۴۵ و ۵۲)

این عبارت از دعاهای امام سجاده علیه السلام درباره روز عید فطر است. از این قسمت دعا می توان استنباط نمود که مسلمانان بایستی با یکدیگر تعاون و همکاری داشته باشند. همچنان که تعاون و همکاری در ایام خاص از ارجح و منزلت خاصی برخوردار است. (احمدوند، ۱۳۹۱، ص ۳۹۶-۳۹۵)

در سخنان مقام معظم رهبری آمده است: «این ابتکاری که اسلام در آغاز ولادت خود برگزید و محلّ تجمّع مردم را بر محور ذکر و دعا و توجّه به خدای متعال قرار داد. اجتماعات مردم به طور طبیعی دارای تأثیراتی است. خب، یک عده ای دُور هم جمع می شوند، می گویند، می شنوند، تصمیم می گیرند، ارتباطات فکری برقرار می کنند، داده ها و گرفته های فکری بین خودشان دارند. وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن وقت یک معنای دیگری پیدا می کند، یک جهت دیگری پیدا می کند، دل ها را به سمت دیگری می کشاند؛ این ابتکار اسلام بود.» (امام خامنه ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۳۱ <https://www.khl.ir/f/34109/>)

[//farsi.khamenei.ir](http://farsi.khamenei.ir)

پس اجتماع حول محور نماز و دعا و تأکید روایات بر دعای دسته‌جمعی در کنار راز و نیازهای فردی، باعث ایجاد کانونی قوی، برای اندیشه‌ورزی و همبستگی فکری و اجتماعی و سیاسی به منظور حل مشکلات و ایده‌پردازی‌های جدید برای رشد فرد و جامعه می‌باشد. نیز این اجتماع حول محور دعا و نماز، موجب به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت رسانی و فعالیت‌های نیکو کاری مخصوصاً در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی، در کنار افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه می‌شود که مورد تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب است.

#### ۲.۴. نظم‌پذیری اجتماعی

نظم در لغت به معنای آرایش و سامان است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۵۷۶ - ۵۷۸) معنای مفهومی نظم در حوزه‌های مختلف متفاوت است. در حوزه اجتماعی، به رژیمی که افراد جامعه را به یکدیگر پیوند داده و عهده‌دار اداره امور آن جامعه از جنبه‌های مختلف است و با هدفی مشخص و جامع، برتر از هدف‌های شخصی و عادی، تمام نیروهای انسانی و غیر انسانی را زیر نفوذ قرار می‌دهد، نظام آن جامعه گفته می‌شود که این نظام وسیله ایجاد نظم اجتماعی است. (جوان، ۱۳۸۳ش، ص ۱۵)

نظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضاییک جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، برقراری نظم اجتماعی با همکاری و هماهنگی افراد جامعه با یکدیگر، امروزه از مهم‌ترین ابزارهای سنجش میزان عقلانیت جمعی، مدنیت و توسعه اجتماعییک جامعه به شمار می‌رود (ربانی، میر شاه جعفری، پریشانی، ۱۳۹۴، ص ۱۵-۱)

نظم‌پذیری اجتماعییکی از پیش نیازهای مؤثر توسعه است؛ زیرا در سازماندهی توسعه‌ای، کار جمعی نقش عمده‌ای در فرایند توسعه دارد و اگر کسی نظم جمعی را نپذیرد و خود را با سیستم تطبیق ندهد، کار نظام مختل می‌شود. در دنیای جدید همه امور

تخصصی شده و تخصصی شدن کارها خود به معنای تقسیم کار است و در عین حال تقسیم کار خود نوعی نظم‌پذیری بوده و بدون اعتقاد به نظم و التزام به آن به وجود نمی‌آید. رشد و توسعه نیازمند پیشبینی، هدایت و برنامه‌ریزی است که در سایه همین نظم اجتماعی حاصل می‌شود. در حقیقت وجود روحیه نظم‌پذیری در نظام جامعه، از هدر رفتن نیروها جلوگیری می‌کند و امکان ایجاد ثبات اجتماعی ممکن می‌شود. رشد و توسعه احتیاج به محیطی امن دارد چرا که در محیط امن است که امکان به کارگیری سرمایه‌ها چه مادی و چه معنوی ممکن می‌شود و یکی از مواردی که این امنیت را تأمین می‌کند همین نظم‌پذیری اجتماعی است. (مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱ش، ص ۹۵۷)

در مکتب‌های بشری نه الهی، دست یافتن به اهداف دنیوی و مادی تنها هدف مورد توجه این نظم‌پذیری است؛ اما از نظر اسلام، نظم اجتماعی باید طوری باشد که در سایه آن، جامعه بستر رسیدن افراد به سعادت دنیوی و اخروی را فراهم کند. به عبارت دیگر، به حقوق و آزادی‌های فردی آسیبی نرسد و از سوی دیگر «عدالت اجتماعی» برقرار باشد. چنین جامعه‌ای به قوانین دقیقی نیاز دارد و مسلماً تدوین چنین چیزیزج از طریق اتصال به منبع مافوق بشری امکان ندارد. طبق اعتقاد شیعه، این منبع مافوق بشری جز از طریق وحی و بیان معصومین علیهم‌السلام قابل دریافت و درک نمی‌باشد. (جوان، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱)

دعا و مناجات و توصیه‌هایی که به صورت ویژه‌ای از طرف معصومین علیهم‌السلام وارد شده است نقش مهمی در برقراری این نظم اجتماعی دارد. معارف برآمده از دعاها و زیارات نه تنها رابطه انسان و خدا را تنظیم می‌کند، بلکه راهنمای عمل آحاد جامعه برای چگونه برقرار کردن روابط اجتماعی نیز هست. دعا به ما می‌آموزد که چگونه باید زیست؟ رفتار و وظایف مان چگونه باید باشد؟ اگر در دعا از خدا می‌خواهیم که «ما را عفو فرما!» در ضمن، می‌آموزیم که ما نیز از خطاهای دیگران درگذریم و آن‌ها را عفو کنیم.

همچنین اگر خداوند را به «ستار العیوب» بودن می‌ستاییم و او را پوشاننده عیب‌های دیگران می‌دانیم، این عبارت، غیرمستقیم به ما می‌آموزد که تو نیز عیوب دیگران را بپوشان.

(سبحانی نیا، ۱۳۹۰، ص ۴۴- ۷۱)

امام سجاد علیه السلام، در صحیفه سجادیه یکی از دعا‌های خود را به همسایگان و دوستان اختصاص داده و در آن برخی از مسئولیت‌های اجتماعی انسان در قبال آنها مانند: نرم خویی، دعا کردن، رازداری، جویاشدن از حالشان، گمان نیکوداشتن، دلجویی، عیادت کردن، حسد نداشتن، استقبال، مساوات، فروتنی، رفع نیازها را گوشزد کرده است. از باب نمونه می‌توان به: «و وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ، وَ مُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ، وَ كَثْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ، وَ حُسْنِ مُوَاسَاةِهِمْ بِالْمَأْعُونِ، وَ الْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْحِدَّةِ وَ الْإِفْضَالِ، وَ إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ: آنان را به این امور موفق داز: برپا داشتن روش و طریقه‌ات، فراگرفتن زیندگی کمالات و صفات برانزنده‌ات برای سود رساندن به ناتوانشان، جبران کردن تنگدستی‌شان، عیادت بیمارشان، هدایت کردن مسافرشان، خیرخواهی مشورت‌کنندگانشان و به عهده گرفتن امور واردین بر آنان، پنهان داشتن اسرارشان، پوشاندن عیوبشان، یاری دادن به ستم‌دیده‌هایشان و نیکو کمک کردن به آنان در مایحتاج زندگیشان، احسان به ایشان با مال و ثروت و بخشش فراوان، عطا کردن آنچه برای آنان لازم است پیش از درخواستشان.» (صحیفه سجادیه: دعای ۲۶)

در جامعه‌ای که نظم اجتماعی حاصل از مبانی اسلام، مستقر باشد و هنجارهای اجتماعی آن بر اساس اسلام تعریف شده باشد، تحقق اهداف اسلامی بسیار آسان‌تر و کم هزینه‌تر بوده و موجبات رشد آن جامعه را فراهم می‌آورد و انحراف جزئی از مسیر اسلام، روند کلی حرکت جامعه را برهم نخواهد زد.

بنا به نظر رهبر معظم انقلاب، حقیقتاً جامعه ما در گذشته انضباط را نیاموخته است. یعنی حکومت دیکتاتوری و استبدادی و پادشاهی، اصلاً انضباط‌پذیر نیست؛ انضباط قوانین خاص خودش را دارد. آن انضباط، در واقع ضد انضباط انسانی است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۰۹/۲۰، <https://>

<https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/9615/> ایشان همه آحاد مردم را به انضباط اجتماعی و اقتصادی، درست حرکت کردن، عدم کار غیر قانونی و غیر اخلاقی، عدم بدگویی و اهانت به یکدیگر و عدم سوء استفاده از بیت المال و... دعوت نموده است و آن را در گرو اعتقاد به آرمان‌های انقلاب دانسته‌اند (امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۰/۱۱/۱۳۷۴، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2784>)

ایشان در بیانیه «گام دوم انقلاب» با مرور تجربه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی اعلام کردند: انقلاب با صیانت از کرامت خود و اصالت شعارهایش «وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است». بی‌شک نظم‌پذیری اجتماعی حاصل از این تفکر و شعارها مانند آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، آزادی، عزت، عقلانیت و برادری که سرشته با فطرت انسانی در این انقلاب دینی است؛ از لوازم مهم این تمدن‌سازی به شمار می‌آیند.

## ۲.۵. خودسازی و تزکیه نفس

تزکیه از ماده «زکو» در لغت آن را به معنای اصلاح دانسته‌اند. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۹۴) معنای نمو و رشد، تطهیر نفس و مال، تقوا، زمین پاک، مدح و ستایش و تنزیه خویش نیز برای آن ذکر شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۵۸) در اصطلاح اخلاق و عرفان، تزکیه عبارت است از تطهیر و پاک‌سازی نفس از اخلاق ناپسند و آلودگی‌های اخلاقی، به منظور گام برداشتن در جهت فضائل اخلاقی که در نهایت موجب کمال و سعادت واقعی در دنیا و آخرت می‌شود. (جمع نویسندگان، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۳۶) هر مخلوقی از مخلوقات الهی بر اساس ذات خود دارای حیثیت‌های متفاوتی هستند؛ فرشتگان عقل محض و حیوانات غریزه محض بوده؛ اما انسان در این دو جنبه متفاوت، منشاء تراحم است، نه از روی عصمت و عقل محض تمام رفتار خود را انجام می‌دهد، نه از روی غریزه و شهوت؛ بلکه دارای هر دو جنبه است. (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۰)

انسان در برابر عقل، نفس اماره را دارد که در دو قلمرو شهوی و غضبی از سیر طبیعی

عقل جلوگیری می‌کند. چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ هَوَى أَمِيرٍ؛ وچه بسا عقل که اسیر فرمانروایی هوس است.» (نهج البلاغه: کلمات قصار شماره ۲۱۱). (حسینی شیرازی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۳۶۲)

قوای شهوی و غضبی انسان اگر آزاد باشند و مهار نگردند، از حالت اعتدال خارج گشته و موجب انحراف فکر و علم انسان از علوم نافع و معارف صحیح انسانی می‌شود. طبق فرمایش خداوند در آیه ۹ سوره شمس: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ رستگار شده است آن کس که نفس را تزکیه کند؛ اما طبق «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ و هر که آلوده‌اش ساخت قطعاً زیان کار خواهد گشت» (شمس: ۱۰) آن کسی که این صفات والای الهی که در وجود انسان هست را ندیده بگیرد، یقیناً در میدان‌های زندگی به شکست و نومیدی مبتلا خواهد شد.

بدون شک جامعه‌ای می‌تواند پویا و رشد یافته و دور از شکست و نومیدی باشد که افراد آن با بهره‌گیری صحیح از علوم و معارف نافع و صحیح، گام در راه ترقی و پیشرفت بردارند مگر نه علم یک ابزار و سلاح است؛ اگر در دست یک انسان بدطینت قرار بگیرد، جز فاجعه برای خود و جامعه چیز دیگری نمی‌آفریند. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با نخبگان جوان در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۸۹، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/10233>)

پس تزکیه نفس موجب اصلاح دنیا و آخرت فرد می‌گردد؛ به طوری که حضرت علی علیه السلام ضمن حدیثی می‌فرماید: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ؛ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ؛ وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ، كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ؛ کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امور آخرت را اصلاح نماید، خداوند امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است.» (نهج البلاغه: حکمت ۸۹)

تزکیه و به طبع آن اصلاح بین افراد موجب مهرورزی، انصاف و رعایت حال انسان‌ها با یکدیگر، رحم و مروت بین افراد بشر می‌گردد و آرامش را به زندگی بشر می‌بخشد. ناامنی‌های

به وجود آمده دنیای امروز، ناشی از سوءسیاست‌ها، قدرت‌طلبی‌ها، بی‌اخلاقی‌ها، دوری انسان‌ها از تزکیه است. و اسلام ما را طبق آیه: ﴿مَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾؛ چنان‌که در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت می‌کند و نفوس شما را (از پلیدی جهل) پاک و منزّه می‌گرداند و به شما تعلیم کتاب و حکمت می‌دهد و آنچه را نمی‌دانید به شما می‌آموزد.» (بقره: ۱۵۱) دعوت به تزکیه می‌کند.

از دستاوردهای دعا، تعلیم و تزکیه است. از نظر امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، معرفت نفس، تزکیه، تهذیب، محاسبه نفس، رعایت تقوا، عمل به دستورات و معارف دینی از اصول اساسی خودسازی است و راه‌هایی مانند رعایت اخلاق، تعقل، عبادت، توبه، یاد مرگ، پرهیز از دنیادوستی، شهوت پرستی، امیال و آرزوها، اجتناب از فخر فروشی و تکبر و خودبینی آمده است. از نظر امام علی علیه السلام، خودسازی، تنها فردگرایانه نیست، بلکه در ارتباط با دیگران نیز مطرح می‌شود و مقصود این نیست که هرگاه انسان بخواهد خود را بسازد و به اصلاح خویشتن خویش پردازد، باید از اجتماع دوری گزیند و انزوا اختیار کند؛ این تزکیه فردی در قالب اجتماع، باعث ایجاد انسان سالم با روابط حسنه و جامعه‌ای رشد یافته می‌شود. (حسنی، ۱۳۹۷، ص ۳۳)

در بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری ضمن تصریح بر وارد شدن ملت ایران در دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن‌سازی، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی، مهم‌ترین ظرفیت امید بخش کشور می‌دانند. در این بیانیه تصریح شده است که شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه، هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق‌چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در

جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

## ۲.۶. جامعه‌پذیری

فرهنگ علوم رفتاری، جامعه‌پذیری را فرایندی می‌داند که به وسیله آن فرد راه‌ها، افکار، اعتقادات، ارزشها، الگوها و معیارهای فرهنگ خاص جامعه خود را یاد می‌گیرد و آن را جزو شخصیت خویش می‌نماید. (شعاری نژاد، ۱۳۷۲، ص ۴۱۵)

صاحب نظران علوم اجتماعی اعتقاد دارند، جامعه انسانی وابسته به کنش و روابط اعضای خویش می‌باشد و با کنش اعضای خود، نیازهای آنان را برآورده ساخته و ثبات و تداوم و بقای خود را ضمانت می‌کند. اساس ارتباط، کنش و تعاملات انسان‌ها در جامعه، آداب و مقرراتی می‌باشد که جامعه برای تسهیل این روابط و ممانعت از برخورد و اصطحکاک، ایجاد کرده است. آداب و مقررات، قالب و الگویی برای رفتار افراد، برقراری کنش و انجام عمل ایجاد می‌کند که موجب هماهنگی و یکپارچگی فعالیت و نزدیکی اعضای جامعه به یکدیگر می‌شود. (زین آبادی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸-۱۸۰)

جامعه انسانی برای بقا و تداوم خود نیازمند آشناسازی اعضای جامعه با این معیارها و قواعد است. از طرف دیگر، اعضای جامعه باید برای رفع سریع‌تر و کامل‌تر نیازهای خود، قواعد، آداب و مقررات رفتاری جامعه را بیاموزند. این نیاز دوطرفه موجب ایجاد فرایندهای یادگیری و جامعه‌پذیری در جامعه می‌گردد.

انسان‌ها در فرایند جامعه‌پذیری، با درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها یاد می‌گیرند که چگونه باید نیازهای زیستی - اجتماعی خود را به شیوه‌ای قابل قبول برآورده سازند تا از آثار جامعه‌پذیری بهم‌چو: رشد احساسی و عاطفی، رشد شناختی، رشد بازتابی - حرکتی و آشنایی با هنجارها، قواعد و معیارهای جامعه بهره‌مند شوند. این موارد نشان دهنده تأثیر بالای جامعه‌پذیری بر رشد جامعه است. جامعه‌پذیری عمدتاً توسط ۵ نهاد اصلی؛ خانواده،



مدرسه، دولت، اقتصاد و دین انجام می‌گیرد. هر یک از این نهادها کارکردها و وظیفه خاص خود را دارند و نیازی از نیازهای جامعه را برطرف می‌سازند.

آموزه‌ها و دستورات دینی، پراکنده در آیات، روایات و احکام و دعاها هستند. آشنایی فرد با معیارها، الگوها، آموزه‌ها و احکام دینی در فرایند جامعه‌پذیری دینی وی انجام می‌شود. در این فرایند، فرد با محتوا و معنای این معیارها آشنا شده و آن‌ها را در موقعیت‌ها و تعاملات زندگی روزمره خود به‌کار می‌گیرد. (همان)

نقش دعا به‌عنوان یکی از راه‌های جامعه‌پذیر کردن افراد در زمینه آموزش و تربیت نفس ناطقه در عرصه اجتماعی‌بیش از سایر عرصه‌ها به چشم می‌خورد، چرا که انسانی که از تربیت الهی لازم برخوردار نباشد در این عرصه دچار لغزش‌های فراوانی خواهد شد و خواسته یا ناخواسته دست به تضییع حقوقی از سایر افراد جامعه خواهد زد. دعا با توصیفی از جامعه سالم و قوانین آن و وظایفیک انسان صالح و معیارهای آن نقش بزرگی در جامعه‌شناسی دینی ایفا می‌کند. (جوادی، باب الحوائجی، ۱۳۹۸، ص ۳)

دعا به‌عنوان یک نهاد تعلیم و تربیت، به انسان قدرت تفکر و رشد فکری و فرهنگی داده، او را از زندگی مادی و حیوانی، به کمالات معنوی که همان خداپرستی و کسب رضای خدای متعال است، سوق می‌دهد. از سوی دیگر، با رشد این نهاد، نهادهای دیگر نیز تقویت و تثبیت می‌شوند و زمینه آشنایی به قوانین و مقررات برای اعضای جامعه فراهم می‌گردد. (مصباح، ۱۳۸۰، ص ۳۱۷-۳۱۵)

کارکرد اصلی دعا مخصوصاً برگزاری جلسات گروهی دعا به‌عنوان یکی از رسانه‌های سنتی اسلام‌پدر آموزش علوم دینی مانند مباحث خداشناسی، راه و راهنماشناسی، معادشناسی، جهان‌شناسی و سنت‌های حاکم بر زندگی اجتماعی، بیان احکام و روش‌های زندگی دینی و همچنین اخلاق اجتماعی‌ارای کارکرد ارشادی است و مقصود اصلی، ترغیب مردم به سوی ارزش‌های اسلامی و تحول در احساسات آن‌ها برای زمینه‌سازی رفتارهای دینی است. (باهنر، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱)

یکی از موارد مورد تأکید رهبر فرزانه انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اصلاح سبک زندگی است. زیرا ترویج سبک زندگی غربی، زیان‌های جبران‌ناپذیر اخلاقی، اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ بی‌شک کسی که طبق فرایند جامعه‌پذیری دینی راه‌ها، افکار، اعتقادات، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگ خاص جامعه خود را یاد بگیرد و آن را جزو شخصیت خویش نماید، به راحتی مجذوب سبک زندگی پر زرق و برق و توخالی غربی نمی‌گردد. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲، <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

## ۲.۷. زمینه ساز تشکیل دولت عدل جهانی

واژه عدل و عدالت در لغت به معنای انصاف، داد، داوری و درستی آمده و شاید بهترین معنا همان مفهومی باشد که امام علی (علیه‌السلام) درباره آن ارائه دادند: «العدل یضع الامور مواضعها؛ عدل آن است که هر چیزی، در جایگاه خود قرار گیرد.» (نهج‌البلاغه: حکمت ۴۳۷) (آمدی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۲)

انسجام و حفظ وحدت اجتماعی و امنیت عمومی و در نهایت رشد جامعه در گرو برخورد‌ها و رفتارهای عادلانه می‌باشد و به عکس، تفرقه و جدایی، اختلاف گروهی و ملی و تشنجات اجتماعی، از ظلم و بی‌عدالتی برمی‌خیزد. عدل و دادگری نه تنها باعث قوام و استمرار اجتماع انسانی است و نوع آن‌ها را گرد هم آورده و جامعه سالم و پیشرفته‌ای را به وجود می‌آورد بلکه برترین عامل نگهدارنده حکومتها و دولتها است. حضرت علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «مَنْ جازَتْ وِلايَتُهُ زالت دَوْلَتُهُ؛ کسی که در دایره حکومتش ظلم و ستم کند، حکومتش از بین خواهد رفت.» (همان، ص ۶۱۱) و در حفظ ثبات و پایداری دولت می‌فرماید: «ثباتُ الدول بالعدل؛ ثبات و پایداری دولت‌ها، به برپایی قسط و عدل است.» (همان؛ ص ۳۳۵)

حکومت، لازمه زندگی اجتماعی و حیات جمعی است و انکار آن در حقیقت نفی زندگی اجتماعی و نفی زندگی اجتماعی، به معنای نابودی و هلاکت نوع بشریاست

(خلیلی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸-۱۲۴)

از نظر شیعه برقراری نظام حکومتی که همه روابط حاکم بر آن مبتنی بر عدالت کامل باشد جز به دست آخرین امام معصوم علیه السلام و خاتم حجت‌های الهی، حضرت مهدی (ارواحنا فدای) امکان‌پذیر نیست. دولتی که پس از پشت سر گذاشتن همه تجربه‌های بشری و نومی‌دی از همه الگوهای حکومتی خود ساخته، مستقر می‌شود. این سخن خداوند است که: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ یقیناً زمین در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌بخشد و سرانجام نیک، برای پرهیزکاران است. (اعراف: ۱۲۸)

مهم‌ترین ارکان عدالت در جامعه مهدوی، حاکم عادل، کارگزاران عادل، قوانین عادلانه، نظام عادلانه است. در این حکومت، اولاً پارساترین و توانمندترین انسان‌ها به‌عنوان حکمرانان و کارگزاران برگزیده می‌شوند؛ ثانیاً وظایف تک تک آن‌ها بی‌هیچ کم و کاست تعیین می‌گردد؛ ثالثاً نظارت و بازرسیدقیق و سخت‌گیرانه بر همه کارگزاران اعمال می‌شود، تا یک نظام حکومتی مبتنی بر عدالت تشکیل گردد و جامعه را به رشد واقعی خود برساند. (شفیعی‌سروستانی، ۱۳۸۱، ص ۴۶)

دعا برای تعجیل ظهور امام عصر علیه السلام زیباترین آرزو و از بهترین دعاهاست؛ زیرا خیر و سعادت دنیا و آخرت ما و همه انسان‌ها و نیز گشایش در امور مادی و معنوی جهانیان، وابسته به آن است. ائمه اطهار علیهم السلام ما را به این امر حیاتی و بااهمیت دعوت نمودند و حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در توقیعی خطاب به اسحاق بن یعقوب می‌فرماید: «أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ برای تعجیل در فرج و ظهور من بسار دعا کنید که همانا فرج من، فرج و گشایش خود شماست.» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۸۵)

همچنین آن حضرت در توقیع شریف خطاب به شیخ مفید علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِشَاهَدَتِنَا؛ اگر شیعیان ما - که خداوند متعال ایشان را

به اطاعت خویش موفق بدارد. با دل‌های متحد و یک پارچه بر وفای به عهد و پیمان خویش اجتماع می‌کردند، ملاقات ما از آن‌ها به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار و مشاهدۀ با معرفت برای آن‌ها به زودی حاصل می‌شد و زودتر از این به دیدار ما نائل می‌شدند». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۱۷۶)

امام صادق علیه السلام درباره نقش دعا در تعجیل فرج و برای تشویق شیعیان به این امر مهم فرمودند: «... وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد. چهل روز به درگاه خدا گریه کردند. خداوند متعال به موسی و هارون علیهم السلام وحی فرمود: که آن‌ها را از دست فرعون نجات دهند در حالی بود که از چهارصد سال (عذاب)، صد و هفتاد سال باقی مانده بود و خداوند متعال به واسطه دعای بنی اسرائیل از آن صد و هفتاد سال صرف نظر نمود.» آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمودند: «شما (شیعیان) اگر این عمل (یعنی گریه و دعا کردن برای تعجیل فرج) را انجام دهید، خداوند قطعاً فرج و گشایش ما را می‌رساند و اگر انجام ندهید این امر به نهایت خود می‌رسد». (عیاشی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۵۵)

مؤلف کتاب شریف مکیال المکارم با استناد به این روایت می‌گوید: «آنچه از روایات به دست می‌آید ظاهراً این است که وقت ظهور امام عصر علیه السلام از امور بدائیه است که امکان پس و پیش افتادنش هست.» (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۴۷) یعنی می‌توان با دعا نمودن، ظهور امام عصر علیه السلام را جلو انداخت و تشویق ائمه اطهار علیهم السلام به دعا نمودن برای تعجیل ظهور، بیان‌گر آن است که فرارسیدن دوران ظهور، دارای یک زمان صددرصد تعیین شده و تغییرناپذیر نیست و اگر مردم به مسئله غیبت امام زمانشان و طولانی شدن این امر بی‌توجهی نموده و با دل‌های متحد و یک پارچه، فرج آن حضرت را از خداوند متعال نخواهند، خداوند ظهور آن بزرگوار را تا انتهایی که برای دوران غیبت در نظر گرفته است و ما از آن اطلاعی نداریم، به تعویق خواهد انداخت و البته این نهایت نیز ممکن است هر لحظه فرا برسد.

تنها یکی از آثار «دعا برای تعجیل فرج» تسریع امر ظهور امام عصر (ارواحنا فدای) است.

این دعا آثار و برکات فراوانی همچون آمرزش گناهان، نزول نعمت، دفع بلاها، طول عمر، وسعت رزق، ورود به بهشت، نائل شدن به شفاعت اهل بیت علیهم السلام، امان از تشنگی روز قیامت و... دارد که مؤلف مکیال المکارم به ۱۱۰ فایده از فواید آن اشاره نموده است. (هراتیان، علی، ۱۳۸۶، «دعا کلید ظهور»، موعود، شماره ۸۱، ص ۱۲)

از جهت دیگر، یکی از اموری که شیعه با توجه به سلوک ائمه اطهار علیهم السلام در زندگی خود بدان توجه دارد، دعاها و زیارت نامه‌هایی است که از ایشان به یادگار مانده است و از آن‌ها می‌توان به دعای افتتاح، عهد، فرج، ندبه و... اشاره کرد که در آن‌ها، دعا برای تعجیل ظهور و فرج و برپایی حکومت حقه و سامان یافتن جهان و زنده شدن حقایق دین و اهل ایمان و رشد جامعه به زیبایی نشان داده شده است.

طبق بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، رهبر معظم انقلاب توصیه‌های فراوانی را در راستای تشکیل دولت مهدوی و اجرای عدالت بیان کرده‌اند. عدالت و مبارزه با فساد را دو لازم و ملزوم می‌دانند. فسادهای اقتصادی و اخلاقی و سیاسی را عامل از بین رفتن مشروعیت نظام‌ها دانسته‌اند و جوانان و مسئولان را به برداشتن گام‌های بلندی برای زمینه‌سازی برقراری عدالت کامل در حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه تشویق نموده‌اند.

ایشان فرمودند: «ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایتهای معنوی ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماس است. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۹، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/>)

پس آنچه مسلم شد دعا که عنصری زبانی است، در فرهنگ و تمدن شیعه با جدا نمودن

آن‌ها از همه تعلقات و اتصال به خالق بی‌همتا و با وجود داشتن ماهیت فرهنگی، کارکردی تمدن ساز دارد. توجه به ادعیه شیعه و استفاده مرتب از آن در طهارت و رشد و تعالی فرد و جامعه تأثیر فراوان داشته و دوری از آن که موجب از دست دادن زمینه ایمنی و سلامت و سعادت فرد و جامعه خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

از مجموع این تحقیق موارد زیر نیز به دست می‌آید:

دعا از زیباترین واقعیات عالم انسانی است و صرف نظر از بحث استجابات به تنهایی برای انسان کشش و جاذبه زیادی دارد و او را از همه تعلقات جدا و به خالق بی‌همتای خود متصل می‌کند. آرامش روح و روان، دریافت امدادهای غیبی، همکاری و تعاون، نظم‌پذیری اجتماعی و جامعه‌پذیری از مهم‌ترین آثار دعا هستند که نه تنها در حنبه فردی بلکه در جامعه موجبات رشد و تعالی آن را فراهم می‌کنند.

در مذهب شیعه، فرد و جامعه به وسیله دعا به تربیت و تزکیه نفس اقدام کرده و به طور مرتب و در طی زمان به آماده ساختن خود برای رسیدن به نقطه آرمانی این مذهب یعنی انسان کامل در فرد و مدینه فاضله در جامعه می‌پردازد. تمدنی که در مذهب شیعه در قالب دعا ارائه می‌شود با ظهور و حضور مهدی عجل الله تعالی فرجه و تشکیل دولت عدل جهانی وی واقعیت خارجی پیدا می‌کند. این تمدن دارای ویژگی‌هایی است که در جای جای ادعیه برای مشتاقان تبیین و تشریح شده است.

## فهرست منابع

### کتاب‌ها:

۱. قرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۳۷۳ ش.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان.
۴. آذربایجانی، مسعود و دیگران، ۱۳۸۷، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه حوزه دانشگاه.
۵. آذیر، حمید رضا، ۱۳۸۱ ش، بهشت کافی (ترجمه روضه کافی)، چاپ اول، قم، انتشارات سرور.
۶. آصفی، محمد مهدی، ۱۳۹۷، الدعاء عند اهل بیت، چاپ هفتم، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۷. آمدی، ابوالفتح، ۱۳۸۶، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، نجف، دارالکتاب الاسلامی.
۸. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، ۱۳۸۲، کمال الدین و تمام النعمه، مترجم منصور پهلوان، چاپ ششم، قم، انتشارات جمکران.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۰، تحف العقول، مترجم بهزاد جعفری، علی اکبر غفاری (مصحح)، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۱۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹، مناقب آل ابی طالب، چاپ اول، قم، انتشارات علامه.
۱۱. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، محقق عبد السلام محمد هارون، چاپ اول، بیروت، الدار الاسلامیة.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۱۳. احمدوند، فردین، ۱۳۹۱، مکارم اخلاق در صحیفه، چاپ اول، قم، زائر آستانه مقدسه.
۱۴. باهنر، ناصر، ۱۳۸۷، رسانه‌ها و دین از رسانه‌های سنتی اسلامی تا تلویزیون، چاپ دوم، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۱۵. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. جمع نویسندگان، ۱۳۷۳، دائرة المعارف تشیع، چاپ ششم، تهران، انتشارات شهید سعید محبی.

۱۷. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۷۷، تفسیر موضوعی قرآن کریم (مبادی اخلاق در قرآن)، چاپ چهارم، قم، مرکز نشر اسوه.
۱۸. جوان، عبدالله، ۱۳۸۳، نظام اجتماعی در اسلام، چاپ اول، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۹. چلبی، مسعود، ۱۳۷۵ش، جامعه‌شناسی نظم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات نی.
۲۰. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، علی سیری، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
۲۱. حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۳۹۵، توضیح نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، دار التراث شیعه.
۲۲. حلی، احمد بن فهد، ۱۳۷۵، عدة الداعی و نجاح الساعی، حسین غفاری ساروی، چاپ اول، قم، بنیاد معارف اسلامی.
۲۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ هشتم، تهران، سمت.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، غلامرضا خسروی، چاپ اول، بیروت، الدار الشامیه.
۲۵. شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۲، فرهنگ علوم رفتاری، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
۲۶. شفیع‌ی مازندرانی، محمد، ۱۳۸۴، سرچشمه‌های آرامش در روانشناسی اسلامی، چاپ اول، قم، انتشارات عطراگین قم.
۲۷. طالب، مهدی، ۱۳۷۶، اصول و اندیشه‌های تعاونی، چاپ ششم، تهران، دانشگاه تهران.
۲۸. طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، محمد باقر موسوی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۹. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، ۱۳۷۹ق، مجمع البیان، هاشم رسولی محلاتی، بی‌چاپ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. عیاشی، محمد بن سعود، ۱۳۶۳، بی‌چاپ، تفسیر عیاشی، قم، العلمیه.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، کتاب العین، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت.
۳۲. فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۹، جوان و آرامش، چاپ ششم، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۳. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۷۹، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق از صحیفه سجادیه، چاپ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



۳۴. قائنی، مهدی، بی‌تا، دعا از نظر دانشمندان، چاپ اول، قم، دار الفکر.
۳۵. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. قمی، عباس، ۱۳۹۰، مفاتیح الجنان، موسوی دامغانی، چاپ ۳۴، قم، الهادی.
۳۷. قمی، علی ابن ابراهیم، ۱۳۶۷ق، تفسیرقمی، طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم، نشر دارالکتاب.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۹. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱ش، مدیریت مالی و اقتصادی، بی‌چا، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۱. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۰، جامعه و تاریخ، چ پنجم، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل.
۴۲. ملکی تبریزی، جواد، ۱۳۸۸، المراقبات، کریم فیضی، چاپ اول، قم، نشر قائم آل محمد علیهم‌السلام.
۴۳. موسوی اصفهانی، محمدتقی، ۱۳۹۰، مکیال المکارم، مهدی حائری قزوینی، چاپ اول، قم، انتشارات اکرام.
۴۴. نراقی، احمد، ۱۳۸۶، معراج السعادة، چاپ پنجم، قم، انتشارات قائم آل محمد قم.

## مقالات

۴۵. ابراهیمیان، ربیعی، سمبل، ۱۳۹۴، «شیوه‌های نزول امدادهای غیبی بر مؤمنین از منظر آیات قرآن»، فصل نامه علمی و پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۲۴، سال ششم، ص ۱۷۶-۱۵۷.
۴۶. احمدی فراز، مهدی، ۱۳۹۲، «الگوپذیری از دعاهای صحیفه سجادیه و تأثیر آن بر سلامت»، فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های حکمت اهل بیت علیهم‌السلام»، دوره ۱، شماره ۱، صص ۳۰-۱۷.
۴۷. اخوان مقدم، زهره؛ حبیب پور، زهرا، ۱۳۹۶، «تحلیل محتوای دعای عرفه منسوب به امام حسین علیه‌السلام»، پژوهشنامه معارف حسینی (آیت بوستان سابق)، سال دوم، شماره ۸، ص ۱۱۰.
۴۸. پیلتن، فخرالسادات؛ قانع، فرزانه، ۱۳۹۱، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر سلامت عمومی»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره پنجم، ص ۹-۷.
۴۹. پيله ور، علی اصغر، ۱۳۵۰، «تعاون و عدالت گسترى در فضای شهری»، ماهنامه تعاون، ش ۱۱۶، ص ۴۶.

۵۰. جوادی، مهدی؛ باب الحوائجی، طاهره، ۱۳۹۸، «بررسی دعوایی از صحیفه سجادیه به عنوان راهکاری مؤثر در جهت اصلاح بعضی از روابط اجتماعی»، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم انسانی، ص ۳.
۵۱. حسنی، حسین، ۱۳۹۷، «خودشناسی و خودسازی از منظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه»، نشریه مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، ش دو، ص ۳۳.
۵۲. خلیلی، مصطفی، ۱۳۸۴، «عدالت و حکومت از دیدگاه علی علیه السلام»، رواق اندیشه، شماره ۴۴، ص ۱۳۸-۱۲۴.
۵۳. خیری، حسن؛ بصیرت، محمد یاسین، ۱۳۹۷، «جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین) سال نهم، شماره ۳۴، ص ۱۵-۱۴.
۵۴. ربانی، سمیه و میرشاه جعفری، سیدابراهیم و پریشانی، ندا، ۱۳۹۴، «بررسی تأثیر دین و ارزش‌های دینی در برقراری نظم و انضباط اجتماعی و مولفه‌های تقویت آن در اسلام»، همایش ملی سبک زندگی نظم و امنیت زنجان، ص ۱.
۵۵. زین‌آبادی، مرتضی، ۱۳۸۶، «جامعه‌پذیری حجاب»، کتاب زنان، ش ۳۸، ص ۲۱۸-۱۸۰.
۵۶. سبحانی‌نیا، محمد، ۱۳۹۰، «آثار تربیتی و روانشناختی دعا»، فصل‌نامه راه تربیت، سال ششم، شماره ۱۵، ص ۴۴-۷۱.
۵۷. شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۸۱، «ارکان عدالت موعود»، موعود، شماره ۳۴، ص ۴۶.
۵۸. هراتیان، علی، ۱۳۸۶، «دعا کلید ظهور»، موعود، شماره ۸۱، ص ۱۲.
۵۹. یادداشت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره مناجات شعبانیه ۱۳۶۹/۱۰/۰۱.
۶۰. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۰۷.
۶۱. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۲۰.
۶۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۵/۰۹/۲۰.
۶۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا مورخ ۱۳۷۶/۰۵/۲۹.
۶۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام در سالروز مبعث مورخ ۱۳۸۳/۰۵/۲۰.
۶۵. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران مورخ ۱۳۸۴/۰۷/۲۹.
۶۶. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران مورخ ۱۳۸۸/۰۳/۲۹.

۶۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان جوان در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱۴.
۶۸. بیانات مقام معظم رهبری دیدار جوانان خراسان شمالی مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۶۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۵.
۷۰. بیانات مقام معظم رهبریدر دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران مورخ ۱۳۹۵/۵/۳۱.
۷۱. بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران در مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی.

